

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

# تفسیر قرآن کریم

آیات درس اول و چهارم کتاب درسی

پایه دهم

دوره دوم متوسطه

ویژه مرحله آموزشگاهی مسابقات قرآن



وزارت آموزش و پرورش  
معاونت پرورشی و فرهنگی  
اداره کل قرآن، عترت و نماز



## درس اول

## نیایش سحرگاهی<sup>۱</sup>

از همسر پیامبر پرسیدند بهترین خاطره‌ای که از رسول خدا (ص) به یاد داری چیست؟ گفت: تمام کارهای پیامبر شگفت‌آور بود اما مهم‌تر از همه برای من این بود که رسول خدا (ص) شبی از شب‌ها مقدار کمی که در شب استراحت کرد از جا برخاست وضو گرفت لباس پوشید و به نماز ایستاد. آنقدر در حال نماز در جذبه خاص الهی اشک ریخت که جلو لباسش از اشک چشمش تر شد. سپس سر به سجده نهاد و بازهم گریست تا صدای بلال برای نماز صبح بلند شد. وقتی بلال باخبر شد پرسید: چرا چنین گریان بودید؟ فرمود:

**أَفَلَا أَكُونُ عَبْدًا شَكُورًا؟** آیا نباید بنده شکرگزار خدا باشم؟

دیشب آیات تکان دهنده‌ای بر من نازل شد وای به حال کسی که آنها را بخواند و در آن نیندیشد.

امیر مومنان علی علیه السلام فرمود: پیامبر خدا هرگاه برای نماز شب بر می‌خواست نخست مسواک می‌کرد و سپس به آسمان نگاه می‌کرد و این آیات را زمزمه می‌کرد.

نوف بگالی که از یاران حضرت علی علیه السلام است می‌گوید: شبی در خدمتش بودم. هنوز چشم مرا خواب فرا ننگرفته بود دیدم امام برخاست و شروع کرد به خواندن این آیات. سپس مرا صدا زد و فرمود: ای نوف خوابی یا بیدار؟ گفتم: بیدارم و صحنه آسمان را تماشا می‌کنم.

فرمود: خوشا آنان که آلودگی‌های زمین را نپذیرفتند (از عالم ماده بیرون پریدند) و راه آسمان را در پیش گرفتند.

**إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَآخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ (۱۹۰)**

همانا در آفرینش آسمان‌ها و زمین و آمد و رفت شب و روز نشانه‌هایی از خدا برای خردمندان است.



## هستی‌شناسی مقدمه خداشناسی است.

برگ درختان سبز در نظر هوشیار هر ورقش دفترست معرفت کردگار

قرآن کریم مردم را به تفکر در آفرینش دعوت می‌کند.

لب به معنای مغز است همان گونه که گردو و بادام مغز دارد و بعضی پوک و پوچ هستند، برخی انسان‌ها نیز صاحب مغز و خرد و اندیشه و بعضی پوک و پوچ و تهی هستند.

از نظر قرآن این جهان پهناور بستر فکر و اندیشه انسان است. این سقف بلند و زیبا که روزها با نوعی زیبایی و شب‌ها به شکلی دیگر چشم‌نوازی می‌کند، این زمین پهناور و گسترده با کوه‌ها و رودها، با دریاها و صحراها با معادن و مخازن، با گیاهان رنگارنگ ما را به فکر وادار می‌کند که آفریدگارش کیست؟ قرآن کریم در سوره عنکبوت می‌فرماید:

**قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ**

سفر کنید در زمین و دقت کنید که آفرینش را خداوند چگونه آغاز کرد.

نشانه دیگر خداوند شب و روز است که در پی هم می‌آیند و چهار فصل بهار، تابستان، پاییز و زمستان را به وجود می‌آورند.

شب برای خواب و استراحت و روز برای کار و فعالیت. همه در خدمت انسان و انسان برای حرکتی به سوی کمال.

از این آیه می‌آموزیم؛

۱- آفرینش جهان هدفدار است.

۲- قرآن مردم را به تفکر در آفرینش دعوت می‌کند.

۳- هر که خردمندتر باشد باید نشانه‌های بیشتری را دریابد.

۴- آفرینش پر از رمز و راز است که تنها خردمندان به درک آن راه می‌یابند.

۵- اختلاف ساعات شب و روز در طول سال تصادفی نیست.

الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَ قُعُودًا وَ عَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَ يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ  
وَ الْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ. (۱۹۱)

همانان که در همه حال (در نماز و غیر نماز) ایستاده و نشسته و به پهلو خوابیده خدا را یاد می‌کنند و درباره آفرینش آسمان‌ها و زمین فکر می‌کنند (و از عمق جان) می‌گویند: پروردگارا این جهان با عظمت را بی‌هدف نیافریده‌ای. تو پاکی پس ما را از عذاب آتش دور نگه دار.

ذکر به دو معناست به یاد بودن و به یاد افتادن. بعضی در زندگی سرگرمند و گاهی به یاد خدا می‌افتند بعضی پیوسته به یاد خدا هستند؛ در حال کار کردن، غذا خوردن، سخن گفتن، راه رفتن، خواب رفتن و...

در حدیث می‌خوانیم: **ذاکر الله فی الغافلین، کالشجره بین الهیثم**

یک نفر که در جمعی به یاد خداست همچون تک درختی است در کویر. یاد خدا انسان را سرسبز روینده دلپسند و سفید می‌کند.

خردمندان علاوه بر ذکر، فکر هم می‌کنند (ویتفکرون).

- ✓ فکر و اندیشه عامل نیکی‌هاست.
- ✓ فکر در نعمت‌ها عامل عشق به خدا
- ✓ فکر در گناهان عامل توبه
- ✓ فکر در حوادث تاریخ عامل درس گرفتن
- ✓ فکر در مرگ عامل کنترل هوس‌ها
- ✓ فکر در عاقبت کارها عامل مصونیت
- ✓ فکر در گذشته عامل سعی و تلاش بیشتر
- ✓ فکر در الطاف الهی عامل امید
- ✓ فکر در ضعف‌ها عامل توکل به خدا
- ✓ فکر در مخلوقات عامل ایمان بیشتر به خداست.

آنگاه نتیجه این ذکر و فکر توجه به هدفداری خلقت می‌شود و انسان لب به دعا باز می‌کند که «پروردگارا تو این جهان را بیهوده نیافریدی، تو حکیمی، تو علیمی، جهان را برای انسان و انسان را برای رسیدن به کمال آفریدی. پروردگارا دستم را بگیر و کمک کن تا به آتش قهرت گرفتار نشوم».

فراموش نمی‌کنیم که ذکر و فکر در این آیه با فعل مضارع آمده است. یعنی پیوسته خدا را یاد می‌کنند و همواره فکر می‌کنند نه موقتی و موسمی بلکه دائمی. از این آیه می‌آموزیم که؛

۱- شناخت حسی از طبیعت کافی نیست بلکه تعقل و تفکر لازم است.

۲- کسی که در این جهان با عظمت و پهناور فکر کند درک می‌کند که آفرینش بیهوده نیست.

۳- هستی هدفدار است پس هر چه از هدف دور شویم به دوزخ نزدیک‌تر خواهیم شد.

۴- یکی از نتایج یاد خدا و تفکر در آفرینش ترس از قیامت و جهنم است.

رَبَّنَا إِنَّكَ مَنْ تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ. (۱۹۲)

خدایا هر که را در آتش بیندازی واقعاً خوار و ذلیلش کرده‌ای و بدکارها و ستمگران هیچ یآوری ندارند.

انسان وقتی غافل می‌شود که چه کسی است و چه توانایی‌هایی دارد و چه کار باید بکند و از کدام رهبر و پیشوا باید اطاعت کند، به خود، به دیگران و به خدا ظلم کرده است.

صدها چراغ دارد و بی‌راهه می‌رود

خردمندان با کار و تلاش، با پاکی و پاکدامنی خود را برای قیامتی سربلند و به دور از عذاب مهیا می‌کنند. خردمندان دغدغه جهان آخرت را دارند. از فرصت‌های خود خوب استفاده می‌کنند. در تصمیمات خود با صالحان مشورت می‌کنند و به شایستگی و درست انتخاب می‌کنند.

رَبَّنَا اِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْاِيْمَانِ اَنْ اٰمِنُوْا بِرَبِّكُمْ فَاٰمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوْبَنَا وَ كَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَ تَوَفَّنَا مَعَ الْاَبْرَارِ. (۱۹۳)

خدایا ما شنیدیم که ندا دهنده‌ای را که می‌گفت: به پروردگارتان ایمان بیاورید. پس ایمان آوردیم. پروردگارا پس گناهان ما را بیامرز و زشتی‌های ما را بپوشان و ما را با نیکان (و در مسیر آنها) بمیران. خردمندان در کنار پاسخگویی به ندای فطرت، به ندای پیامبران و عالمان و شهیدان که همه به خداپرستی دعوت می‌کنند پاسخ مثبت می‌دهند.

خردمندان از کنار کوتاهی‌ها و گناهان خود به راحتی گذر نمی‌کنند، بلکه از خدای خویش طلب بخشش می‌کنند. خردمندان پایانی نیک و مرگی همچون مرگ خوبان را آرزو می‌کنند. آنها هم دنبال یک زندگی شایسته و هم در آرزوی یک مرگ پرافتخار هستند تا وقتی وارد جهان دیگر شدند فرشتگان به استقبال آنان آمده و خوش آمد گویند.

خردمندان دریافته‌اند که آخرت ادامه دنیاست. به قول قرآن اگر کسی در دنیا کور زندگی کند در آخرت کور محشور خواهد شد. پس مراقب است با چشمانی باز در این جهان برنامه‌ای دقیق برای خود تنظیم کند تا در جهانی دیگر با چشمی روشن و دلی شاد به صالحان پیوندد.

رَبَّنَا وَ اٰتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلٰی رُسُلِكَ وَ لَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ اِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ (۱۹۴)

خدایا پاداشی را که از جانب پیامبرانت به ما وعده داده‌ای به ما بده و در روز قیامت خوارمان مساز. آخر تو بر خلاف وعده‌ات عمل نمی‌کنی.

پیامبران برای اصلاح جامعه بشری و اجرای عدالت حقیقی آمدند. پیامبران به بشریت نوید امن و امان و پیشرفت و سعادت دادند. آنها به دنبال جامعه به دور از ظلم و جور و فساد و عاری از تباهی و آلودگی در پرتو پرستش خدا بوده‌اند.

رهروی راه پیامبران در همین دنیا هم برای ما خوشبختی می‌آورد. وعده پیامبران وعده خداست و خداوند به یقین به وعده‌اش عمل می‌کند.

فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ  
فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُوذُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ  
عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَاللَّهُ عِنْدَهُ  
حُسْنُ الثَّوَابِ. (سوره آل عمران)

خدا هم به آنها اینطور جواب مثبت داد: من کار هیچ کس از شما را از بین نمی برم. چه مرد  
باشد و چه زن. چون همگی از یک نوعید پس کسانی که در راه خدا هجرت کنند یا از خانه و  
زندگی شان آواره شدند و در راه من آزار دیدند و جنگیدند و شهید شدند حتماً گناهانشان را  
محو می کنم و در باغ هایی پر درخت جای شان می دهم که در آنها جوی ها روان است. این  
پاداشی از طرف خداست و خداست که بهترین پاداش ها در اختیار اوست.

آری خداوند مهربان ترین مهربانان است. بندگانش را دوست دارد. خودش اعلام کرده:

**ادعونی استجب لکم** بخوانید مرا پاسخ می دهم به شما.

البته با خواندن این آیات یافتیم که دعای کسانی که اهل ذکر و فکر باشند و به کوتاهی ها و  
گناهان خود توجه داشته باشند، اهل کار و تلاش باشند، به هدفمندی آفرینش باور داشته  
باشند، به وعده های پیامبران اطمینان داشته باشند و جدی و خالصانه از خدا بخواهند دعایشان  
مستجاب می شود.

از این آیات می آموزیم:

- ۱- در جهان بینی الهی هیچ عملی بدون پاداش نیست.
- ۲- زن و مرد در مسیر کمال و دریافت پاداش های الهی مساوی اند.
- ۳- دعایی مستجاب می شود که با عمل همراه باشد.
- ۴- پاداش عمل به مومنان داده می شود و اعمال کافران تباه است.
- ۵- در جامعه اسلامی همه مسلمانان عضو یک خانواده اند.
- ۶- هجرت، جهاد، تبعید و تحمل آزار در راه خدا وسایل عفو الهی و دریافت پاداش هستند.
- ۷- علاقه به وطن یک حق پذیرفته شده قرآنی است و گرفتن این حق ظلم است.
- ۸- در پیمودن راه خدا، هجرت، جهاد و شهادت پاداش بی حسابی دارد.
- ۹- حتی خردمندان سخت کوش هم ممکن است گناهانی داشته باشند. ولی خداوند آنها را می بخشد.
- ۱۰- در وعده های الهی ذره ای شک نکنیم (آئی .... لا کفرن .... لا دخلن).



## آیات و ترجمه

سوره آل عمران  
آیات ۱۹۵-۱۹۰

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ترجمه	آیات
مسلمانان در آفرینش آسمانها و زمین و آمد و رفت شب و روز، نشانه های (روشنی) برای صاحبان خرد و عقل است.	إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ ﴿١٩٠﴾
همانها که خدا را در حال ایستادن و نشستن و آنگاه که بر پهلو خوابیده اند، یاد می کنند، و در اسرار آفرینش آسمانها و زمین می اندیشند، (و می گویند) بار الها این را بیهوده نیافریده های، منزهی تو، ما را از عذاب آتش نگاه دار.	الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ﴿١٩١﴾
پروردگارا، هر که را تو (به خاطر اعمالش) به آتش افکنی، او را خوار و رسوا ساخته ای، و این چنین افراد ستمگر هیچ یابوری نیست.	رَبَّنَا إِنَّكَ مَنْ تَدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ ﴿١٩٢﴾
پروردگارا، ما صدای منادی توحید را شنیدیم، که دعوت می کرد به پروردگار خود ایمان بیاورید و ما ایمان آوردیم، (اکنون که چنین است) پروردگارا، گناهان ما را ببخش، و ما را با نیکان (و در مسیر آنها) بمیران!	رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَأَمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَقَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ ﴿١٩٣﴾
پروردگارا، آنچه را به وسیله پیامبران ما را وعده فرمودی، به ما مرحمت کن، و ما را در روز رستاخیز رسوا مگردان، زیرا تو هیچگاه از وعده خود تخلف نمی کنی.	رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَىٰ رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تَخْلِفُ الْمِيعَادَ ﴿١٩٤﴾
خداوند درخواست آنها (صاحبان خرد که درخواستهای آنها در آیات سابق گذشت) را پذیرفت (و فرمود) من عمل هیچ عمل کننده ای از شما را، خواه زن باشد یا مرد ضایع نخواهم کرد، شما همگی هموعید و از جنس یکدیگر، آنها که در راه خدا هجرت کردند، و از خانه های خود بیرون رانده شدند، و در راه من آزار دیدند، و جنگ کردند و کشته شدند سوگند یاد می کنم، که گناهان آنها را می بخشم، و آنها را در بهشتهائی که از زیر درختان آن نهرها جاری است، وارد می کنم، این پاداشی است از طرف خداوند، و بهترین پاداشها نزد پروردگار است.	فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أَضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَوْدُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حَسَنٌ التَّوَابِ ﴿١٩٥﴾





## درس چهارم

## سفر به جهانی دیگر<sup>۱</sup>

ادیان آسمانی و قرآن کریم به جز این جهان، جهانی دیگر را توصیف می‌کنند که پیش روی ماست. جهانی بزرگتر و شگفت‌آورتر از این جهان، حقیقی‌تر از این جهان که پس از مرگ، ما به آن جهان وارد می‌شویم.

مردگان، زنده می‌شوند و بدکاران در شرایطی دردناک خواهند بود و نیکوکاران در بهشتی با صفا زندگی خواهند کرد. درباره زنده شدن مردگان آیات زیادی در قرآن آمده است. در این آیات نیز قرآن کریم فرازهایی از زندگی دو پیامبر خدا حضرت ابراهیم و حضرت عزیز را به تصویر کشیده و به این موضوع بسیار مهم می‌پردازد.

سخن مهم پیامبران با انسان‌ها یکی درباره آغاز خلقت و آفرینش و دیگر درباره پایان این جهان بوده است.

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا أَحْيِي وَأُمِيتُ قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

آیا ندیدی نمرود پادشاه را که مغرور از قدرتی که خدا به او داده بود با ابراهیم درباره خدا چون و چرا می‌کرد؟ وقتی ابراهیم به او جواب داد صاحب اختیار و مربی من همان خدایی

است که زنده می‌کند و می‌میراند. نمرود گفت: خب من هم زنده می‌کنم و می‌میرانم. دو زندانی را آوردند. دستور داد یکی‌شان را آزاد کنند و دیگری را بکشند تا ثابت کند مرگ و زندگی در دست اوست نه خدا.



ابراهیم مثال روشن تری زد و گفت: خدا خورشید را از مشرق بیرون می آورد تو بیا و از مغرب در بیاورش. اینجا بود که نمرود بی دین در برابر این منطق مات و مبهوت ماند. بله خداوند دست چنین مردم بدکاری را نمی گیرد.

چه تماشایی است، جوانی مومن و انقلابی با پادشاهی مقتدر به مناظره نشسته است. جوان با منطق و با شهامت و بدون اینکه از قدرت پادشاه بترسد او را به زانو در آورد. حضرت ابراهیم ابتدا بحث را از بزرگترین شاهکار آفرینش یعنی مرگ و حیات آغاز کرد و این پدیده را از نشانه های علم و قدرت خداوند دانست؛ اما پادشاه مغرور با فریبکاری خواست مغالطه کند و فکر مردم را به اشتباه بیندازد اما ابراهیم قهرمان با هوشمندی بحث را به سوی دیگر هدایت کرد که نمرود مات و مبهوت شد.

نقل شده در زمان امام صادق علیه السلام جوانی بود به نام هشام که وقتی وارد مجلس می شد، امام صادق علیه السلام به احترام او برمی خاست و او را بالای مجلس می نشاند. به طوری که همه را متعجب می کرد. او با سفرهای علمی و پژوهشی و آشنایی با فلسفه یونان و عقاید فرقه های مسلمان با شجاعت تمام در موضوعات عقیدتی با منکران خدا و مخالفان مکتب اهل بیت مناظره می کرد و همیشه قهرمان میدان بود.

امام صادق علیه السلام فرمود: نوجوانان و جوانان خود را راه و رسم مناظره کردن بیاموزید تا بتوانند از معارف دین شان دفاع کنند.

از این آیه می آموزیم که؛

- ۱- بحث با مخالفان را از نقاط حساس و مهم آغاز کنیم مثل مرگ و زندگی
- ۲- از قدرت قدرتمندان و ثروت سرمایه داران نترسیم و با تکیه بر منطق مقابل آنها بایستیم.
- ۳- فریب دشمن را نخوریم و به افکار عمومی توجه داشته باشیم تا به بیراهه نرود.

## داستان عزیر:

أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتَ مِائَةَ عَامٍ فَانظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ وَانظُرْ إِلَى حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلَكَ آيَةً لِلنَّاسِ وَانظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا لَحْمًا. فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

همین‌طور ندیدی آن کسی را که از شهر ویرانه‌ای عبور می‌کرد که ساکنانش مرده بودند با تعجب به خودش گفت: مردم این شهر را بعد از مردن‌شان خدا چطور زنده می‌کند؟ پس خدا جانش را برای مدت یکصد سال گرفت، بعد زنده‌اش کرد و پرسید چند سال در حال مرگ ماندی؟ جواب داد یک روز است مانده‌ام یا کمتر از یک روز. فرمود: نه، بلکه صد سال مرده بودی! ببین خوردنی و نوشیدنی‌ات بعد از این همه مدت تغییری نکرده، اما ببین الاغت چطور متلاشی شده است این ماجرا را ترتیب دادیم تا زنده شدن تو را نشانه قدرتمان برای مردم قرار دهیم و ...

حالا به استخوان‌های الاغت نگاه کن که چطور سر همشان می‌کنیم و گوشت و پوست بر آنها می‌رویানیم همین که چگونگی زنده شدن مردگان برایش روشن شد اعتراف کرد بله می‌دانم که خداوند بر حال کاری تواناست.

نکته: بخش مهمی از معارف الهی در قرآن در قالب قصه‌ها بیان شده، قصه‌هایی واقعی که گوینده‌اش خدا و آورنده‌اش جبرئیل و پیام‌رسانش پیامبر عزیز اسلام است. قصه قالبی است جذاب برای همه از کودک دبستانی تا استاد دانشگاه همه می‌پسندند. قرآن کریم پس از قصه حضرت ابراهیم علیه السلام با نمرود داستان پیامبر دیگری را به تصویر می‌کشد.

پیامبری به نام عزیر یا ارمیا که در اثنای سفر خود در حالی که بر مرکبی سوار بود و مقداری آشامیدنی و خوراکی همراه داشت از کنار یک آبادی می‌گذشت که به شکل وحشتناکی ویران شده بود و اجساد و استخوان‌های پوسیده ساکنان آن به چشم می‌خورد هنگامی که این منظره وحشتناک را دید گفت: چگونه خداوند این مردگان را زنده می‌کند البته این سخن را نه از روی انکار و تردید بلکه از روی تعجب پرسید.

خداوند اراده کرد تا چیزی را به او تعلیم دهد به جای به کار بردن روش آموزش مستقیم، نمایشی را به کار برد تا او و همه آیندگان با خواندن این سرگذشت به زنده شدن مردگان با اطمینان باور کنند. در این هنگام خداوند جان او را گرفت و یکصد سال بعد او را زنده کرد و از او سوال کرد چقدر در این بیابان بوده‌ای؟ او که خیال می‌کرد مدت کمی در آنجا درنگ کرده فوراً گفت یک روز یا کمتر. به او خطاب شد یکصد سال در اینجا بوده‌ای. اکنون به غذا و نوشیدنی خود نظری بیفکن و ببین چگونه در طول این مدت تغییری نکرده ولی برای اینکه بدانی یکصد سال از مرگ تو گذشته است به مرکب سواری خود نگاهی ببنداز (گفته‌اند غذا و نوشیدنی او شیر و انجیر بوده که زود فاسد می‌شود). می‌بینی از هم متلاشی و پراکنده شده است و مشمول قوانین طبیعت گشته و مرگ آن را متفرق ساخته است. پس نگاه کن و ببین چگونه اجزای پراکنده آن را جمع آوری کرده و زنده می‌کنیم. عزیز پیامبر هنگامی که این منظره را دید گفت: می‌دانم که خداوند بر هر چیزی تواناست. یعنی هم اکنون آرامش خاطر یافتم و مسئله رستاخیز و زنده شدن مردگان در نظر من شکل حسی به خود گرفت و علم و آگاهی کامل شد و به مرحله شهود رسید. او دید پس از گذشت یکصد سال میوه و شیری که فاسد شدنی است، سالم مانده و کمترین تغییری در طعم و بوی او حاصل نگردیده اما از حیوان فقط چند استخوانش باقی مانده و این نهایت قدرت نمائی خداوند در امر حیات و مرگ است. از این این آیه می‌آموزیم؛

- ۱- به تمدن‌های ویران شده گذشتگان به دیده عبرت بنگریم و همچون عزیز نبی درس‌های تازه بگیریم.
- ۲- هر چند می‌دانید اما باز علم خود را با تجربه و پرسیدن بالا ببرید.
- ۳- صد سال مردن برای یک نکته فهمیدن می‌ارزد.
- ۴- پرسیدن عیب نیست ندانستن عیب است.
- ۵- رجعت و زنده شدن مردگان در همین دنیا و قبل از قیامت هم قابل قبول است. در احادیث داریم که پس از ظهور امام زمان علیه السلام شخصیت‌هایی زنده می‌شوند و در خدمت آن حضرت خواهند بود.
- ۶- با اراده الهی استخوان محکم متلاشی اما غذای فاسد شدنی سالم و باقی می‌ماند.
- ۷- نمایش قدرت الهی برای ارشاد و راهنمایی مردم است نه سرگرمی
- ۸- خداوند صحنه‌ای از قیامت را در دنیا به نمایش گذاشته است.
- ۹- مشت نمونه خروار است خداوند گوشه‌ای از قدرت خود را به نمایش گذاشته است تا همه بدانند او بر هر کاری تواناست.

## داستانی دیگر

وَ إِذْ قَالَ اِبْرَاهِيمُ رَبِّ اَرْنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى قَالَ اَوْ لَمْ تُؤْمِنْ قَالَ بَلَى وَ لَكِن لَّيَطْمَنَّ قَلْبِي قَالَ فَخُذْ اَرْبَعَةً مِّنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ اِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلٰى كُلِّ جَبَلٍ مِّنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَا تَيْنِكَ سَعِيًّا وَ اعْلَمْ اَنَّ اللّٰهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۲۶۰)

حالا دقت کن در این ماجرا که ابراهیم درخواست کرد؛ خدایا نشانم بده مرده‌ها را چطور زنده می‌کنی؟ خداوند پرسید مگر این را باور نداری؟ جواب داد: چرا ولی می‌پرسم تا دلم آرام گیرد. فرمان داد چهار نوع پرنده بگیر؛ ریز ریز و مخلوطشان کن. بعد هر تکه از آن را بر سر کوهی بگذار. سپس صدایشان بزن تا به سرعت پیشت بیایند و بدان خدا شکست ناپذیر حکیم است.

قرآن کریم به دنبال داستان حضرت عزیر داستان دیگری از صحنه معاد در این دنیا را بیان می‌کند تا ایمان ما به معاد کامل‌تر و دل ما آرام‌تر شود.

قصه از این قرار است که روزی حضرت ابراهیم از کنار دریایی می‌گذشت. مرداری را دید در کنار دریا افتاده که مقداری از آن داخل آب و مقداری در خشکی قرار داشت.

پرنده‌گان و حیوانات دریا و خشکی آن را طعمه خود قرار داده‌اند و بر سر آن نزاع می‌کنند. دیدن این منظره ابراهیم را به فکر مسئله‌ای انداخت که همه می‌خواهند چگونگی آن را بدانند و آن موضوع زنده شدن مردگان در قیامت است.

او از خداوند تقاضا کرد که چگونگی زنده شدن مردگان را به او نشان دهد. خداوند فرمود: مگر ایمان نداری؟ او پاسخ داد: ایمان دارم ولی می‌خواهم آرامش قلبی پیدا کنم.

خداوند نیز با این نمایش ابراهیم را به نور یقین و اطمینان رساند.  
از این آیات می‌آموزیم؛

۱- زنده کردن مردگان از نشانه‌های پروردگاری و ربوبیت خداست (رب ارنی کیف تحیی)

۲- برای آمرزش عمیق استفاده از نمایش و مشاهدات حسی فوق العاده است.

۳- در پی آن باشیم که همچون ابراهیم درجه ایمان خود را بالا برده به مرز اطمینان برسیم.

۴- پژوهش و کنجکاوی یک ارزش است.

۵- ایمان دارای مراحل و درجاتی است.

۶- قلب مرکز آرامش است.

۷- معاد و زنده شدن مردگان جسمانی است و در قیامت روح به همین بدن باز می‌گردد.

## آیات و ترجمه

سوره بقره  
آیات ۲۶۰-۲۵۸

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

### ترجمه

آیا ندیدی (و آگاهی نداری از) کسی (نمرود) که با ابراهیم درباره پروردگارش محاجه و گفتگو کرد؟ زیرا خداوند به او حکومت داده بود، (و بر اثر کمی ظریت، از باده غرور سرمست شده بود)، هنگامی که ابراهیم گفت: «خدای من آن کسی است که زنده می کند و می میراند». او گفت: «من نیز زنده می کنم و می میرانم!» (و برای اثبات این کار و مشبه ساختن بر مردم دستور داد دو زندانی را حاضر کردند، فرمان آزادی یکی و قتل دیگری را داد) ابراهیم گفت: «خداوند، خورشید را از افق مشرق می آورد، (اگر راست می گویی که حاکم بر جهان هستی تویی،) خورشید را از مغرب بیاور!» (در اینجا) آن مرد کافر، مبهوت و وامانده شد. و خداوند، قوم ستمگر را هدایت نمی کند.

یا همانند کسی که از کنار یک آبادی (ویران شده) عبور کرد، در حالی که دیوارهای آن، به روی سقفها فرو ریخته بود، (و اجساد و استخوانهای اهل آن، در هر سو پراکنده بود، او با خود) گفت: «چگونه خدا اینها را پس از مرگ، زنده می کند؟!» (در این هنگام،) خدا او را یکصد سال می راند، سپس زنده کرد، و به او گفت: «چه قدر درنگ کردی؟!» گفت: «یک روز، یا بخشی از یک روز». فرمود: «نه، بلکه یکصد سال درنگ کردی! نگاه کن به غذا و نوشیدنی خود (که همراه داشتی، با گذشت سالها) هیچگونه تغییر نیافته است! (خدایی که یک چنین مواد فاسد شدنی را در طول این مدت، حفظ کرده، بر همه چیز قادر است!) ولی به الاغ خود نگاه کن (که چگونه از هم متلاشی شده! این زنده شدن تو پس از مرگ، هم برای اطمینان خاطر توست، و هم) برای اینکه تو را نشانهای برای مردم (در مورد معاد) قرار دهیم. (اکنون) به استخوانها (ی مرکب سواری خود) نگاه کن که چگونه آنها را برداشته، به هم پیوند می دهیم، و گوشت بر آن می پوشانیم!» هنگامی که (این حقایق) بر او آشکار شد، گفت: «می دانم خدا بر هر کاری توانا است».

و (به خاطر بیاور) هنگامی را که ابراهیم گفت: «خدا یا! به من نشان بده چگونه مردگان را زنده میکنی؟» فرمود: «مگر ایمان نیاوردهای؟!» عرض کرد: «آری، ولی می خواهم قلبم آرامش یابد». فرمود: «در این صورت، چهار نوع از مرغان را انتخاب کن! و آنها را (پس از ذبح کردن،) قطعه قطعه کن (و در هم بیامیز)! سپس بر هر کوهی، قسمتی از آن را قرار بده، بعد آنها را بخوان، به سرعت به سوی تو می آیند! و بدان خداوند قادر و حکیم است، (هم از ذرات بدن مردگان آگاه است، و هم توانایی بر جمع آنها دارد)».

### آیات

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا أُحْيِي وَأُمِيتُ قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالسَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿٢٥٨﴾

أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِبَةٌ عَلَى غُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتَ مِائَةَ عَامٍ فَانظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ وَانظُرْ إِلَى حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلَكَ آيَةً لِلنَّاسِ وَانظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا لَحْمًا فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٥٩﴾

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى قَالَ أُولِمُ تَأْمِنُ قَالَ بَلَىٰ وَلَٰكِن لِّيَطْمَئِنَّ قَلْبِي قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٍ مِنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْيًا وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٦٠﴾